

گذر از جامعه‌شناسی روان به روان‌شناسی جامعه: پیشنهاد یک
تقسیم‌بندی نواز انواع "من"

**Transition from Sociology of Psyche to Psychology of
Society : Offering a New Division of "I"**

هدی پوررضایان

دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران

Hoda Purrezaian

PhD student in Health Psychology, Tehran University

h.p209@yahoo.com

پذیرش: تیر ۹۵

دریافت: خرداد ۹۵

نوع مقاله: تحلیلی

Abstract

The dialogical self-theory knows the human's mind as an internal society that its members (the types of self) are engaged in dialogue and dominance seeking as well as an external society. This theory has divided the "self" into three types: traditional (mythical), modern, and post-modern, and then mentioned the characteristics of each according to historical epoch linked with them. Proposing revision in the cited division to become more functional and liberation from the shackle of particular historical epochs and so, offering a new division, were the main aims of this analytical study. In the present research while accepting the basic idea of the dialogical self-theory and its socio historical values, "I" or "self" is divided into five types: ancestral, parental, personal, prospective, and flexible. It seems that this new division compared to the previous classification, provides a better understanding of the human mind in all times. The main suggest of this paper is scientific testing the offered division in comparative studies and individual or group clinical trials.

Key Words: dialogical self, the types of self in the dialogical self-theory, the types of "I" in the new division

چکیده

نظریه‌ی خود دیالوژیک، ذهن انسان را به مثابه‌ی جامعه‌ای درونی می‌داند که اعضای آن (انواع خود)، همانند اعضای یک جامعه‌ی بیرونی، مشغول دیالوگ و تسلط‌جویی هستند. این نظریه، "خود" را به انواع سنتی (اسطوره-ای)، مدرن و پست‌مدرن، تقسیم کرده و ویژگی‌های هر یک را متناسب با دوره‌ی تاریخی مرتبط، برمی‌شمارد. مهم‌ترین اهداف پژوهش تحلیلی حاضر، پیشنهاد تجدید نظر در تقسیم‌بندی مذکور به منظور کاربردی‌تر شدن و رهایی از قید دوره‌های تاریخی خاص و بدین ترتیب، ارائه‌ی یک تقسیم‌بندی جدید است. در پژوهش حاضر، ضمن پذیرش ایده‌ی اصلی نظریه‌ی خود دیالوژیک و ارزش‌های اجتماعی تاریخی‌اش، من یا خود، به انواع اجدادی، والدینی، شخصی، آینده‌نگر و منعطف تقسیم شده است. به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی جدید، نسبت به دسته‌بندی قبلی، شناخت بهتری را در مورد جامعه‌ی ذهنی انسان‌ها در تمام اعصار، فراهم می‌آورد. مهم‌ترین پیشنهاد این مقاله، آزمون علمی تقسیم‌بندی پیشنهادشده، در پژوهش‌های تطبیقی و کارآزمایی‌های بالینی فردی یا گروهی است.

کلیدواژه‌ها: خود دیالوژیک، انواع خود در نظریه‌ی خود دیالوژیک، انواع من در تقسیم‌بندی جدید

مقدمه

یک جامعه‌ی جهانی، نیازمند روابط دیالوژیک نه تنها بین افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها بلکه درون خود^۱ یا خویشتن یک فرد است. گویی گریز از تنهایی و تمایل به برقراری ارتباط با دیگری (بیرونی یا درونی) یکی از گرایش‌ها یا نیازهای اساسی انسان است. بسیاری از فرایندهای اجتماعی مثل دیالوگ و نبرد برای تسلط که می‌توانند در یک جامعه دیده شوند، درون "خود" به عنوان "جامعه‌ی ذهن"^۲ نیز وجود دارند. در مفهوم "خود دیالوژیک"^۳ - که مفهوم محوری یادداشت حاضر است - با دو مفهوم جداگانه یعنی "خود" و "دیالوگ" رو به رو هستیم. به طور معمول، مفهوم "خود" به چیزی درونی^۴ اشاره دارد، چیزی که درون ذهن یک شخص رخ می‌دهد؛ در حالی که مفهوم "دیالوگ" نوعاً با چیزی بیرونی^۵ مرتبط است، فرایندی که بین افراد درگیر در یک ارتباط یا معاشرت، رخ می‌دهد (هرمن^۶ و هرمن-کانوپکا^۷، ۲۰۱۰). اگرچه واژه‌ی دیالوگ، مفاهیمی مثل گفت و گو و تعامل کلامی را به ذهن، متبادر می‌سازد، در مقاله-ای با عنوان "خود دیالوژیک در دو سال نخست زندگی، آغاز سفری اکتشافی" (فوگل^۸ و همکاران، ۲۰۰۲)، ادعا شده است که "خود دیالوژیک" در هجده ماه نخست زندگی شکل می‌گیرد و دیالوگ‌ها در این دوره، به صورت غیرکلامی هستند. از روزهای نخست زندگی، دیالوگ‌های درون‌شخصی "خود" نوزادان با دیالوگ‌های بین فردی ترکیب می‌شود. این واقعیت، سبب شده است تا بسیاری از دانشمندان دوره‌ی کودکی، مفهوم اوتیستیک یا شخصی "خود" را در اوایل نوزادی رد کنند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که در نتیجه‌ی تجربه‌ی "تعامل بین موضوعی اولیه" نوزادان، "خود" به عنوان بخشی از تعامل منظم و متقابل نوزاد و بزرگسال ایجاد می‌شود. در

¹ self

² Society of mind

³ Dialogical Self

⁴ Internal

⁵ External

⁶ Hermans, H. J. M.

⁷ Hermans-Konopka, A.

⁸ Fogel, A.

نیمه‌ی دوم سال اول زندگی، "تعامل بین موضوعی ثانویه" ایجاد می‌شود و در نتیجه، نوزادان قادر به دستیابی به اشیاء و وقایع دور و احساسات شخصی خودشان در طول قاب‌های ارتباطی هستند. بعد از یک سالگی، تعامل بین موضوعی، به طور فزاینده‌ای، نمادین می‌شود.

مفهوم "خود دیالوژیک" با آوردن بیرون به درون و یا بالعکس، از این دوگانگی دور می‌شود. معنای ضمنی این مفهوم، وجود حالت‌های متنوع خود و ارتباط بین آن‌ها است. نظریه‌ی خود دیالوژیک، منحصرأ برخاسته از علوم اجتماعی نیست بلکه از دو دیدگاه سنتی یعنی عمل‌گرایی آمریکایی^۱ و دیالوگ‌گرایی روسی^۲، برآمده است. نظریه-نظریه‌ی مذکور، به عنوان یک نظریه‌ی خود، ریشه در فرمول‌بندی‌های کلاسیک جیمز^۳ جیمز^۳ (۱۸۹۰) و مید^۴ (۱۹۳۴) از مفهوم "خود" دارد. هم‌چنین این نظریه به عنوان یک نظریه‌ی دیالوژیک، متکی بر بینش‌های بارور در فرایند دیالوژیک پیشنهادشده توسط باختین^۵ (۱۹۷۳/۱۹۲۹) است (هرمن و هرمن-کانوپکا، ۲۰۱۰؛ هرمن، ۲۰۰۱).

در یک توصیف موجز، خود دیالوژیک می‌تواند به عنوان یک چندگانگی پویا از "حالت‌های من"^۶ درک شود. در این دیدگاه، "من" از تماس ذاتی با محیط اجتماعی پدیدار شده و به حالت‌ها یا موقعیت‌های خاص در زمان و مکان، محدود می‌شود. بدین ترتیب، "من" فرضی قادر به حرکت از یک حالت به حالت دیگر مطابق با تغییراتی در فضا و زمان است. در این فرایند موضع‌گیری^۷، بازموضع‌گیری^۸ و موضع-موضع‌گیری معکوس^۹ من در نوسان بین وضعیت‌های مختلف و حتی مخالف (درون خود یا بین خود و دیگران ادراک‌شده یا تصورشده) است و این وضعیت‌ها در روابط مرتبط با تسلط نسبی و قدرت اجتماعی دخیلند. وضعیت‌ها به عنوان بخشی از روابط

¹ American Pragmatism

² Russian Dialogism

³ James, W.

⁴ Mead, G. H.

⁵ Bakhtin, M.

⁶ I-positions

⁷ positioning

⁸ repositioning

⁹ counterpositioning

گذر از جامعه‌شناسی روان به روان‌شناسی جامعه: پیشنهاد یک تقسیم‌بندی نو از انواع "من"

اجتماعی علامت‌محور می‌تواند با وضعیت‌های دیگر تبادلات دیالوگی داشته باشند. این دیالوگ‌ها (صداها) مشابه تعامل شخصیت‌های یک داستان یا فیلم و شامل فرایند-های پرسش و پاسخ، موافقت و مخالفت، درگیری‌ها و مبارزات و مذاکرات و به هم پیوستن‌ها یا یکپارچگی‌ها هستند. هر کدام از این وضعیت‌ها یا حالات، درباره‌ی خویشتن و از زاویه‌ی دید خود، داستانی برای گفتن دارند و به تبادل دانش و اطلاعاتی درباره‌ی خود با دیگر وضعیت‌ها (صداها) می‌پردازند که منجر به یک "خود" پیچیده و ساختاریافته می‌شود (هرمن و گیسر^۱، ۲۰۱۲). لازم به ذکر است که حالت‌های من، صرفاً درونی نیستند بلکه می‌توانند بیرونی نیز باشند. در این موارد، دیگری، صرفاً آبه نیست بلکه به قول باختین (۱۹۷۳)، "من دیگر"^۲ است (هرمن، ۲۰۱۳).

خود دیالوژیک، بسیار تحت تأثیر فرهنگ است. تا زمانی که خود دیالوژیک با نشانه‌ها سازمان می‌یابد، فرهنگ، نقش مهمی در ایجاد حالات مختلف "من"، تفاوت-گذاری بین آن‌ها، یافتن محل تنش در آن‌ها و غلبه بر این تنش، ایفا می‌کند. بی‌شک، تفاوت‌های زیادی در مجموعه‌ی معانی (و ارزش‌ها) و سنت‌های اجتماعی، بین مردم سراسر جهان وجود دارد اما نقطه‌ی مشترک و جهانشمول، فرایند ایجاد معانی و استفاده از آن‌هاست (والساینر^۳ و هان^۴، ۲۰۰۸).

بر اساس نظریه‌ی "خود دیالوژیک"، خود و هویت، هر دو، سازه‌هایی فردی و اجتماعی هستند. آن‌ها در جوامع دائماً متغیر در طول زمان شریکند. "خود" در قرون وسطی همان "خود" در دوران پست‌مدرن نیست. "خود" مطلقاً تحت تأثیر علت‌ها و عوامل خارجی نیست. "خود" به عنوان یک ساختار تاریخی به سادگی تحت تأثیر خارجی زمان یا زمانه‌ی خویش نیست بلکه از فرایندی که تجلی زمان و مکان در اوست، تکامل می‌یابد. تحولات تاریخی زمانی مؤثر دانسته می‌شوند که "خود" و هویت را بسیط در زمان و مکان بدانیم. تحولات تاریخی، در عناصر مشترک "خود" و

¹ Gieser, T.

² Another "I"

³ Valsiner, J.

⁴ Han, G.

هویت، منعکس شده‌اند. در نتیجه حالت‌ها یا مدل‌های مختلفی از "خود" ایجاد شده‌اند که می‌توان آن‌ها را مرتبط با دوره‌های مختلف تاریخی دانست. لازم است در مورد مدل‌های مرتبط با دوره‌های تاریخی، به دو نکته اشاره شود. اول این که اگرچه ریشه‌های هر مدل (حالت) را می‌توان در مرحله‌ای از تاریخ یافت، آن‌ها منحصر به این دوره‌های خاص نیستند. این درست نیست که تصور کنیم یک حالت با شروع حالت جدید متوقف می‌شود بلکه حالت‌های مختلف "خود" به صورت همزمان و با پتانسیل‌های مثبت و منفی خویش وجود دارند و در تعامل دیالوگی با یکدیگر هستند. دوم، فرض دستیابی به سطوح بالاتر پیچیدگی در طول تاریخ نباید منجر به این نتیجه‌گیری شود که "خود" به صورت خودکار از افزایش سطوح کیفیت و غنا بهره می‌گیرد. پیچیدگی و کیفیت، ضرورتاً منطبق و همزمان نیستند. هر مرحله (حالت) دارای زوایای دید خاص، انتظارات و ارزش‌های خاص خود به عنوان نتیجه‌ی تأکید یا بزرگنمایی است. سایر زوایای دید، نگرش‌ها و ارزش‌ها ممکن است در پس‌زمینه باشند، نادیده گرفته شوند و یا حتی سرکوب شوند (هرمن و هرمن-کانوپکا، ۲۰۱۰).

به طور کلی "خود دیالوژیک" سه مشخصه دارد:

۱. خود دیالوژیک مرکب از حالت‌های "من" چندگانه است که هر یک از آن‌ها با دیگر حالت‌ها در تعامل است و زاویه‌ی دید منحصر به فردی در تجربه‌ی شخص دارد.

۲. حالت‌های "من"، یک زمان و مکان واقعی یا خیالی را اشغال می‌کنند.

۳. "خود"، ذاتاً اجتماعی است زیرا حالت‌های واقعی یا خیالی "من" می‌توانند

با یکدیگر گفت و گو کنند (فوگل و همکاران، ۲۰۰۲).

هرمن و هرمن-کانوپکا (۲۰۱۰)، حالت‌ها یا انواع "خود" را به شرح زیر تقسیم-

بندی کرده‌اند:

الف) خود سنتی (اسطوره‌ای)

در دیدگاه سنتی، ارزش‌های اصلی عبارتند از کلیت، وحدت و هدف فراگیر. این ارزش‌ها در اسطوره‌ها^۱ و مراسم مقدس^۲ بیان می‌شوند. مفهوم چرخشی زمان در این دیدگاه، متضاد مفهوم خطی مرتبط با دوره‌ی مدرن است. در این مدل "خود" انسان یک نهاد مستقل نیست بلکه بخشی از یک کل مقدس است که بزرگ‌تر و چه بسا ارزشمندتر از اجزاء خود است. جهان‌بینی سنتی، زندگی مردم را به دو سطح تقسیم می‌کند: زندگی عادی که مردم نیازهای اساسی خود را تأمین می‌کنند و سطحی بالاتر که نوع بهتری از زندگیست و فقط زمانی به دست می‌آید که انسان بتواند هدف و غایت مناسب خویش را در کیهان تشخیص دهد. در این مدل یک ساختار سلسله‌مراتبی وجود دارد به طوری که صاحبان قدرت، توانایی خویش را از بالا دریافت می‌کنند و واسطه‌ی اراده‌ی خداوند می‌شوند. "خود" در این مدل، توسط باور به سرنوشت و تقدیر، هدایت می‌شود.

ب) خود مدرن

نگاه مدرن به جهان، تحت تأثیر روشنگری، دوگانه‌نگر است. نگاه مدرن، درون را از بیرون، ذهنیت را از عینیت، خود را از دیگران، حقیقت را از ارزش، هست را از باید، علم را از ایمان، سیاست را از مذهب، عمومی را از خصوصی و تئوری را از عمل، جدا می‌کند. در راستای تفکر و جست و جوی منطقی دکارت برای حقیقت‌های مسلم، علم و تجزیه و تحلیل منطقی به اصول راهنما در بسیاری از موضوعات زندگی که در توسعه‌ی اقتصاد، صنعت مکانیزه، پیشرفت‌های نامحدود تکنولوژی و دولت بروکراتیک مرکزی بازتاب می‌یابند، تبدیل شده‌اند. از زاویه‌ی دید فلسفی، معنای مدرن "خود" می‌تواند "خود مستقل" باشد که به عنوان یک امر یا پدیده‌ی ایده‌آل، در بسیاری از اشکال و فرهنگ‌های مدرن و تصویر خویش‌ترن مردمی که در جوامع صنعتی پیشرفته زندگی می‌کنند، نفوذ کرده است. در حالی که خود سنتی، علت وجودی

¹ myths

² celebrated rituals

خویش را در مشارکت با نظم کیهانی وسیع می‌یابد، خود مدرن، علت وجودی خود را در زمین می‌یابد. این مدل، استقلال بی سابقه را فرض می‌کند اما در عین حال، در معرض خطر بیگانگی قابل توجه از محیط اجتماعی و طبیعی، انزوای هیجانی، تنهایی و رقابت بیش از حد است.

ج) خود پُست‌مدرن

عبارت "پست‌مدرنیسم" برای نخستین بار جهت نشان دادن یک حرکت نوین با مرکزیت نیویورک در سال ۱۹۶۰ به کار گرفته شد که از مدرنیسم هنری فراتر رفت. ویژگی‌های اصلی خود پست‌مدرن عبارتند از: الف) دور شدن از جاه‌طلبی‌های جهانشمول صاحبان قدرت مثل تأکید بر کلیت، سیستم و وحدت و حرکت به سوی تأکید بر تفاوت، مغایرت، دانش محلی و خرد شدن (به جای کلیت)؛ ب) انحلال سلسله مراتب نمادین که متضمن قضاوت‌های قانونی سلیقه‌ای و ارزشی است و پایان بخشیدن به تفاوت‌های بین فرهنگ سطح بالا و فرهنگ مردمی؛ ج) تمرکززدایی از موضوع معنای ثابت هویت و ارائه‌ی راهی جایگزین برای ادامه‌ی زندگی در جریان بی پایان تصاویر و احساسات؛ د) گرایش به زیباسازی زندگی روزمره که با آوردن هنر در زندگی و هم‌چنین با زدودن تمایز بین ظاهر و واقعیت، میسر می‌شود.

در دیدگاه پست‌مدرن، "خود" باید شکل‌پذیر^۱ باشد. خود شکل‌پذیر قادر به تغییر مداوم به منظور انطباق با شرایط حاضر است. این ایده که یک "من واقعی" وجود دارد که در طول زندگی، قابل شناساییست، رد شده است. هویت با اجبارها یا نیروهای بیرونی ساخته می‌شود. یکی از این نیروهای بسیار قدرتمند، زبان^۲ است.

از آنجا که نظریه‌ی خود دیالوژیک یک نظریه‌ی روان‌شناختی است، قطعاً به موضوع روان‌درمانی نیز توجه ویژه‌ای داشته است. بر اساس کتاب "خود دیالوژیک در روان‌درمانی" (هرمن و دیمازیو^۳، ۲۰۰۴)، می‌توان گفت که یکی از رویکردهای مهم در روان‌درمانی با محوریت خود دیالوژیک، رویکرد روایتی یا داستانی است. در این

^۱ Protean

^۲ Language

^۳ Dimaggio, G.

روش، روان‌درمانگران، روایت شخصی درمانجویان را می‌شنوند و به این نکته توجه دارند که درمانجویان چگونه این روایت را سازمان داده و در طول زمان تغییر می‌دهند. یکی از فرض‌های بنیادین نظریه‌ی خود دیالوژیک این است که روایت‌های شخصی نه فقط به صورت زمانی بلکه به صورت فضایی نیز ساختاریافته‌اند. یک روایت شخصی به مثابه یک داستان ساده نیست که آغاز، میانه و پایان داشته باشد بلکه دائماً توسط دو یا چند حالت بیانی در تعاملات دیالوژیک، تأیید، اصلاح، بازسازی و گسترش می‌یابد. گوینده و شنونده‌ی (درونی یا بیرونی) داستان در وضعیت‌های مختلف فضایی قرار گرفته‌اند و حول چند وضعیت، میدانی از تنش وجود دارد که در آن داستان دائماً توسط طرف مقابل به چالش کشیده می‌شود. داستان، قبل از رسیدن به پایان، جهت دیگری به خود می‌گیرد و یا تحت تأثیر صداهای دیگران، داستان‌های جدیدی جایگزین می‌شوند. در زندگی روزمره نیز ما شاهد این نکته هستیم که افراد، داستان‌های مختلفی درباره‌ی خود بیان می‌کنند و یا شکل‌های متفاوتی از یک داستان را متناسب با منافع، انتظارات و پرسش و پاسخ‌های شنوندگان، ارائه می‌کنند. در چارچوب مفهومی خود دیالوژیک، دیگران صرفاً بیرونی نیستند بلکه هم درونی و هم بیرونی هستند. در حقیقت، از دوران نوزادی به بعد، روابط بین فردی، بخشی از "خود" می‌شوند و "دیگران مهم" به کاراکترهایی از سناریوی درونی فرد مبدل خواهند شد. بر مبنای روابط درون‌فردی، این الگوهای ثبت‌شده در حافظه، بر کل روابط در طول زندگی، تأثیر می‌گذارند. در روان‌درمانی‌های متکی بر خود دیالوژیک، درمانگر این شانس را دارد که به یک کاراکتر یا حالت جدید در سناریوی ذهنی مراجع تبدیل شود و از این طریق سبب تسهیل و تغییر سازمان "خود" او شود. اگر درمانگر به چنین موقعیتی دست یابد، متعهد به تغییر عناصر ناکارآمد سناریو می‌شود. هم‌چنین، مراجع نیز به سناریوی درمانگر وارد می‌شود و سبب برانگیختن واکنش‌ها و دیالوگ‌های احساسی می‌شود که می‌توانند در فرایند درمانی، سودمند یا مضر باشند. به طور کلی،

روان‌درمانی با محوریت خود دیالوژیک، سعی در برقراری مجدد دیالوگ بین انواع خود و حتی بین خود و دیگران، دارد (لیزاکر^۱ و هرمن، ۲۰۰۷).

روش

پژوهش حاضر، یک پژوهش تحلیلی با این پرسش اصلی است که آیا می‌توان انواع خود در نظریه‌ی خود دیالوژیک را بر اساس و مبنای دیگری به جز دوره‌های تاریخی، تغییر و تحویل داد. این پژوهش با مرور دیدگاه خود دیالوژیک آغاز شده و با پیشنهاد تقسیم‌بندی نوینی از انواع من به پایان می‌رسد.

یافته‌ها

انواع من: یک تقسیم‌بندی نوین

با توجه به آنچه که رفت، می‌توان نظریه‌ی خود دیالوژیک را نظریه‌ای جامع دانست که وجود انواع خود در جامعه‌ی ذهنی را به شیوه‌ای علمی و معتبر، توصیف کرده است. البته این وصف، از دیرباز وجود داشته اما در این دیدگاه، به صورتی منسجم و همراه با مستندات علمی و پژوهشی بیان شده است. این نظریه، علی‌رغم علمی بودن و برخوردار بودن از ویژگی ابطال‌پذیری، به سادگی قابل رد و ابطال نیست. با اندکی تأمل می‌توان به وجود انواع خود یا من در ذهن، پی برد. اما سؤال مهم نگارنده‌ی حاضر، این است که آیا انواع خود را باید تا به این حد جامعه‌شناسانه دید؟ نگاهی تا به این اندازه جامعه‌شناسانه به روان شاید به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، نه تنها مجاز، بلکه پسندیده نیز باشد زیرا به عقیده‌ی ایشان، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، بنیادهای مشترک و مشابهی دارند. به نظر نگارنده‌ی حاضر، تلفیق جامعه‌شناسی با روان‌شناسی، فقط در سطح توصیفات فیلسوفانه‌ی ذهن انسان به توفیق می‌رسد و در غیر این صورت، روشن است که وابسته یا متوقف کردن انواع خود به دوره‌های تاریخی جهانی، یکی از مشکلات نظریه‌ی خود دیالوژیک است. این مشکل

^۱ Lysaker, P. H.

گذر از جامعه‌شناسی روان به روان‌شناسی جامعه: پیشنهاد یک تقسیم‌بندی نو از انواع "من"

را می‌توان با مطالعه‌ی توصیفاتی که در ذیل هر کدام از انواع خود آمده است، دریافت. توصیفات مذکور، بیش از آن که معرف انواع خود باشند، توصیف‌کننده‌ی دوره‌های تاریخی مربوطه هستند. این امر بیانگر غلبه‌ی جامعه‌شناسی و تاریخ بر روان‌شناسی در نظریه‌ی خود دیالوژیک است. از سوی دیگر، آنچه که از نظریه‌ی مذکور، برداشت می‌شود این است که وجود انواع خود، وابسته به گذر از دوره‌های تاریخی مربوطه است. این در حالیکه واقعیت به گونه‌ای دیگر است. در گذشته‌ی تاریخی جهان، انسان-هایی بوده‌اند که خیلی قبل‌تر از تحولات تاریخی موجد مدرنیته، برخوردار از خود مدرن بوده‌اند. این موضوع را می‌توان از زاویه‌ی دید دیگری نیز بررسی کرد. می‌توان اینگونه پرسید که آیا وجود انواع خود، منحصر به دوره‌ی معاصر است؟ آیا پیش از دوره‌ی مدرن، همه‌ی انسان‌ها صرفاً دارای یک خود یعنی خود سنتی بوده‌اند؟ یقیناً خیر. تقسیم‌بندی زیر از انواع من، با هدف رفع مشکلات فوق‌الذکر و در عین حال حفظ اثرات جامعه‌شناختی و تاریخی بر ذهن و روان، ارائه می‌شود:

الف) من اجدادی

منظور از خود یا من اجدادی، بخشی از ذهن است که شامل تاریخچه‌ی نوع انسان می‌باشد. این من، حاصل باورها و جهان‌بینی‌های کهن است. همان چیزی که شاید ما به عنوان خرافات یا اسطوره‌ها بشناسیم. البته منظور از اجداد در اینجا، هم اجداد مشترک تمام انسان‌هاست و هم اجداد خانواده‌ی شخصی. برخی از عقاید و باورهای اجدادی، در تمام فرهنگ‌ها مشابهند. این عقاید همان عقاید و باورهای اجدادی مشترک نوع بشر هستند. بعضی از عقاید نیز صرفاً حاصل تاریخچه‌ی خانوادگی هر فرد هستند. این باورها، عامل ایجاد تفاوت‌های فرهنگی، قومی، نژادی و حتی فردی هستند. این نکته، بیانگر تفاوت من اجدادی با من اسطوره‌ای در نظریه‌ی خود دیالوژیک است. با این حال، من اجدادی نیز همانند من اسطوره‌ای دارای قوانین غیرمنعطف است و تمایل به تسلط دارد. هر نوع سرپیچی از قواعد من اجدادی، فرد را سزاوار مجازات‌های بیرونی (بیماری، حوادث طبیعی و امثالهم) و درونی (احساس

گناه) می‌کند. من اجدادی معمولاً در مواقعی که واقع‌بینی و هشیاری کم‌رنگ می‌شوند، مسلط می‌شود.

ب) من والدینی

من والدینی، معرف وجود بخشی از من والدین در جامعه‌ی ذهنی هر فرد است. هر انسانی، خواه ناخواه حضور باورها و جهان‌بینی‌های منتسب به والدینش را در ذهن و روان خویش احساس می‌کند. این بخش از خود، به دو شیوه‌ی وراثتی و اکتسابی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. این من، معمولاً مربی و پرورش‌دهنده است و اگرچه یادآور مهر و محبت والدینی است، همانند من اجدادی، سرپیچی و عدم پیروی را برنمی‌تابد. من والدینی اگرچه بسیار جدیدتر از من اجدادی است، اما باز شامل ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های قدیمی‌شده است.

ج) من یا من شخصی

این نوع من، حاصل اکتساب هویت و استقلال شخصی است. اگرچه این نوع خود یا من، ظاهراً نوع آرمانی خود است، تسلط افراطی آن یا غرق شدن در این نوع من، سبب دور شدن از ریشه‌ها و افزایش انزوا می‌شود.

د) من آینده‌نگر

این نوع من، حاصل مواجه شدن ذهنی یا واقعی با پیشرفت‌های نسل‌های آینده است. من آینده‌نگر معمولاً در افراد خلاق و پیشرو، و هم‌چنین در افراد پذیرا نسبت به تغییرات نسلی آینده، بارزتر است. این نوع من را می‌توان من آینده‌ساز نیز قلمداد کرد زیرا تمام نظریه‌های پیشرو و اختراعات، حاصل غلبه‌ی این من در ذهن دانشمندان پیشین بوده‌اند. من آینده‌نگر با وجود منفی که برای نوع بشر داشته و دارد، در صورت تسلط افراطی می‌تواند منجر به احساس بیگانگی از هم‌عصران شود.

ه) من منعطف

من منعطف، ترکیبی منطقی از تمام خودهای فوق‌الذکر است. همان‌طور که از توضیحات ذکرشده در بالا مشخص است، هر کدام از انواع من، دارای مزایا و مضاری است. تسلط افراطی هر کدام از انواع من، سبب بیمار شدن ذهن و چه بسا تن انسان

گذر از جامعه‌شناسی روان به روان‌شناسی جامعه: پیشنهاد یک تقسیم‌بندی نو از انواع "من"

می‌شود. من معطف، صرفاً مستقل و آینده‌نگر نیست بلکه گاهی به ویژگی‌های من اجدادی یا والدینی، برمی‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر، ابتدا نظریه‌ی خود دیالوژیک و انواع خود ذکر شده در این نظریه معرفی شدند و سپس تقسیم‌بندی نوینی از انواع من ارائه شد. تقسیم‌بندی قبلی انواع خود وابستگی بسیار زیادی به دوره‌های تاریخی جهانی داشت و لذا صرفاً مختص انسان‌های دوره‌ی معاصر بود و در مورد گذشتگان و آیندگان، صدق نمی‌کرد. شاید این سؤال به ذهن بیاید که مگر هدف ما، درمان گذشتگان یا آیندگان است؟ در پاسخ باید گفت که قطعاً خیر. اما آیا هدف ما فقط درمان‌گریست؟ هدف ما به عنوان روان‌شناس در وهله‌ی نخست، شناخت انسان‌ها در تمام اعصار است. بنابراین یک نظریه‌ی معطوف به انسان، نباید منحصر به دوره یا دوره‌های تاریخی خاصی باشد. ممکن است این ایراد یا سؤال نیز به ذهن متبادر شود که برخلاف تقسیم‌بندی هرمن از انواع خود که بسیار جامعه‌شناسانه، تاریخی و جهانشمول است، تقسیم‌بندی ارائه شده در مقاله‌ی حاضر، بسیار خانوادگی (و غیر اجتماعی) است. در پاسخ باید بدانیم که خانواده یک سیستم اجتماعیست و نه فردی؛ و از سوی دیگر تقسیم‌بندی اخیر نیز همانند تقسیم‌بندی قبلی، شامل گستره‌ی تاریخ از اجداد نخستین بشر تا آیندگان است. بنابراین بر خلاف ظاهر، تقسیم‌بندی ارائه‌شده در مقاله‌ی اخیر، جامعه‌شناسانه‌تر، تاریخی‌تر و جهانشمول‌تر از تقسیم‌بندی قبلی‌ست زیرا که هم وابسته به دوره‌ی تاریخی خاصی نیست و هم با محوریت بخشیدن به خانواده -که همواره بوده و هست و خواهد بود- خود را از قید اتصال به دوره‌های موقت تاریخی رها کرده است.

تقسیم‌بندی نوین ارائه‌شده در مقاله‌ی حاضر، از نظر توجه به مفهوم خود، از سویی و چندبخشی دانستن خود یا "من" از سوی دیگر، همسو با تمام نظریه‌ها و پژوهش‌هاییست که به معرفی مفهوم خود و ابعاد یا وجوه متعدد آن پرداخته‌اند، از جیمز (۱۸۹۰)، مید (۱۹۳۴)، باختین (۱۹۷۳/۱۹۲۹) و پیشینیان آن‌ها گرفته تا نظریه‌ی معاصر

هرمن (هرمن، ۲۰۱۳؛ هرمن و گیسر، ۲۰۱۲؛ هرمن و هرمن-کانوپکا، ۲۰۱۰؛ والسینر و هان، ۲۰۰۸؛ لیزاکر و هرمن، ۲۰۰۷؛ هرمن و دیمازیو، ۲۰۰۴؛ فوگل و همکاران، ۲۰۰۲؛ هرمن، ۲۰۰۱). با این حال، زاویه‌ی دید تقسیم‌بندی حاضر به جای سطح گسترده‌ی دوره‌های تاریخی بر سطح حقیقی‌تر و ملموس‌تر نسل‌های خانوادگی متمرکز شده است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، به نظر می‌رسد که دیدگاه‌های قبلی مخصوصاً نظریه‌ی هرمن شاید فقط منحصر به انسان‌های معاصر باشند. بنابراین احتمالاً دیالوگ بین انواع خود در دوران کهن اساطیری، معنایی نداشته زیرا انسان‌ها در آن زمان هرگز دوره‌های مدرن و پُست‌مدرن را تجربه نکرده بودند. در حالی که در بین همان انسان‌ها، افراد دارای تفکرات مدرن و چه بسا پُست‌مدرن، می‌زیسته‌اند. با توجه به آنچه رفت، می‌توان دریافت که تقسیم‌بندی خانوادگی، در توجیه وجود افراد مورد اشاره، موفق‌تر خواهد بود.

در پایان، باید اشاره کرد که نوشتار حاضر، مقدمه‌ای بر یک کار پژوهشی‌ست و لازم است که مطالب آن با مستندات پژوهشی و علمی دقیق، همراه شوند. بنابراین مهم‌ترین پیشنهاد این مقاله، آزمون علمی تقسیم‌بندی پیشنهادشده، در پژوهش‌های تطبیقی و کارآزمایی‌های بالینی فردی و گروهی است.

منابع

- Fogel, A., Koeyer, I., Bellagamba, F., & Bell, H. (2002). The Dialogical Self in the First Two Years of Life, Embarking on a Journey of Discovery. *Theory and Psychology*, 12, 2, 191-205.
- Hermans, H. J. M. (2001). The Dialogical Self: Toward a Theory of Personal and Cultural Positioning. *Culture & Psychology*, 7, 3, 243-281.
- Hermans, H. J. M. (2013). The Dialogical Self in Education: Introduction. *Journal of Constructivist Psychology*, 26, 2, 81-89.
- Hermans, H. J. M., & Dimaggio, G. (2004). *The Dialogical Self in Psychotherapy*. New York, Brunner-Routledge, Taylor & Francis Group.
- Hermans, H. J. M., & Gieser, T. (2012). *Handbook of Dialogical Self Theory*. New York, Cambridge University Press.
- Hermans, H. J. M., & Hermans-Konopka, A. (2010). *Dialogical Self Theory: Positioning and Counter-Positioning in a Globalizing Society*. New York, Cambridge University Press.
- Lysaker, P. H., & Hermans, H. J. M. (2007). The Dialogical Self in Psychotherapy for Persons with Schizophrenia: A Case Study. *Journal of Clinical Psychology*, 63, 2, 129-139.
- Valsiner, J., & Han, G. (2008). Where is Culture within the Dialogical Perspectives on the Self? *International Journal for Dialogical Science*, 3, 1, 1-8.

